

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مښاد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مښاد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یادداشت:

کتاب مستطاب دوست عالیقدرم، مؤلف ارجمند و پرکار، جناب نوری صاحب را ورق میزد، که اولین مقاله آن زیر عنوان "افغانستان گلستان اقوام" نظرم را جلب کرد. این نوشته اتفاقاً از خامه این درویش تراویده و افتخار نشر را در کتابی به همین نام کسب کرده است. چون این مقاله – مانند بسا مقالات قدیمی دگرم تاکنون شرف نشر را در "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نیافته است، بر آن شدم که آن را ضمن اشاعه تعدادی از مقالات سابقه خود، منتشر بسازم. این مقاله را ازین خاطر در صدر این سلسله جای میدهم، که سلسله جنبان وحدت ملی و برادری اقوام مختلف و عزیز وطن عزیزم بوده میتواند. اینک آن مقاله که به تاریخ ۱۸ نومبر ۲۰۰۶ روی کاغذ آورده شده است:

خلیل الله معروفی

برلین – ۱۴ اگست ۲۰۱۴

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین، ۱۸ نومبر ۲۰۰۶

افغانستان گلستانِ اقوام

و

گل‌باغ زبانها و فرهنگها

خطه مقدس ما افغانستان عزیز گلستانی را ماناست، که در آن هر قوم حکم گلی را دارد. همان گونه که در "باغ گل" و "گل‌باغ" و "گلستان" انواع گلها میرویند و هر گل زیبایی خاص خود را دارد، در حدی که نتوان گفت، کدام گل قشنگ تر است، اقوام عزیز وطن نیز گل‌های رنگارنگ و

مُعْتَبَر "گلستان افغانستان" اند، که هیچ یک را نمیتوان زیباتر و عنبرین تر از دیگری خواند. پس فرق در تفاوت زیباییها نیست، و اگر فرقی هست، فقط در کمیت و تعداد گل‌های هر نوع است.

همان گونه که یک "گل" به تنهایی فقط یک گل است و عظمت "گلستان" را ندارد، اقوام عزیز ما نیز هیچ کدام به تنهایی مؤدی و معرف سوط و عظمت "گلستان وطن" بوده نمیتوانند. به تحقیق و هراینه که زیبایی ایشان در "یکجا بودن" و "باهمی" ایشان است. "سر به هم آورده بودن" برگهای غنچه است، که غنچه را غنچه ساخته، ورنه هر برگ غنچه، برگی بیش نیست.

اقوام برادر این وطن را چون گلبرگهای یک گل توان شمرد، که دور یک "محور دل" جمع شده اند و یا برگهای غنچه ای که نیز یکدل اند و همدل. و چه خوش فرمود شاعری شیرین کلام، که :

سر بهم آورده دیدم برگهای غنچه را
اجتماع دوستان یکدل — آمد بیاد

این "محور" و این "دل" چیزی دیگر نیست، مگر محور "هُویَّتِ ملی" ما که "هُویَّتِ افغانی" ماست.

در عالم کشورهای بسیاری را میتوان سراغ کرد، که متشکل از اقوام مختلف اند، ولی کم اند ممالکی با این موزائیک زبانها و فرهنگهای وطن ما. اقوام وطن با وجود فرهنگهای متفاوت و خاص خود، همه زیر چتر یک فرهنگ عمومی می آیند؛ زیر چتر "فرهنگ افغانی". همان گونه که افغانان در پهلوی زبانهای خاص خود، به یکی از دو زبان بزرگ، فراگیر و رسمی کشور — دری و پشتو — و یا هردو، نیز تکلم میکنند و با آنها بلدیت عام و تام دارند. تنوع زبانها و فرهنگهاست، که به افغانستان، طراوت گلستانی داده و این موزائیک یکدل و یک محور را به وجود آورده است.

نقاشی هنرمند چیره دست افغان مقیم پاریس — آقای حفیظ الله پاکزاد — را که "گلستان وطن" را با قلم موی سحر خود روی پرده آورده، حسن ختام این سطور میسازم. آقای پاکزاد اصلاً این اثر هنری خود را وقف کتابی زیر عنوان "افغان و افغانستان" ساخته اند، که به همت فرزندان برومند افغان، جناب ولی احمد نوری، زیر کار است و به زودی در دسترس افغانان و دیگر

علاقه مندان افغانستان، قرار خواهد گرفت. از جناب نوری سپاسگزارم، که اجازت فرمودند، تا "نقشه گلستانی" افغانستان، اورنگ و زیب این سطور گردد.



افغانستان گلستانِ اقوام

تذکر:

اصلاً در نظر بود که کتاب عنوان "افغان و افغانستان" را به خود بگیرد، که قرعه فال به نام "افغانستان گلستانِ اقوام" زده شد.